

# وضعیت نظامهای ترویج در آسیا و اقیانوسیه

● تلخیص از: محمدهادی امیرانی

مجموعه مقالات ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران

در اغلب کشورهای آسیا و منطقه پاسیفیک، کشاورزان بخش عمده‌ای از اقتصاد ملی را تشکیل می‌دهند و بخش کشاورزی آنها دارای حداقل یک نظام رسمی ترویج کشاورزی است. در بسیاری از این کشورها بیش از یک نظام ترویجی وجود دارد. در این کشورها هدف یا کارکرد اصلی و اساسی ترویج تا حد زیادی مشابه می‌باشد و ترویج کشاورزی به عنوان خدمات و نظامی است که با بهره‌گیری از روش‌های آموزشی، کشاورزان را در بهبود روش‌ها و فنون کشاورزی، افزایش بهره‌وری تولید، افزایش درآمد، بهبود زندگی و معاش، ارتقاء سطح استانداردهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی یاری می‌کند.

کارکرد ترویج کشاورزی و سازمانهای مرتبط با آن، بازتاب اهدافی مشخص در شرایط معین می‌باشند. بدین لحاظ انواع متعدد و مختلفی از نظامهای ترویج کشاورزی در این کشورها شکل گرفته است. برخی از این نظامها به صورت متمرکز هدایت و کنترل می‌شوند و برخی دیگر، از هدایت و کنترل غیرمتمرکز محلی برخوردارند. بعضی از آنها از سیاست کلی انتقال فناوری پیروی کرده و برخی دیگر از رهیافت «توسعه یکپارچه روستایی»<sup>(۱)</sup> استفاده می‌کنند. برای برآوردن نیازهای مشخص در هر یک از این کشورها، رهیافتهای مختلفی براساس مطالعه، تجربه یا آزمایش، تدریجاً تکامل یافته و یا از دیگر کشورها وارد شده است.

در بسیاری از این کشورها، مسئولیت تشکیل و توسعه سازمانهای ترویجی توسط وزارت کشاورزی انجام گرفته است که در برخی از آنها تشکیلات ترویجی به صورت یک سازمان مستقل در چارچوب وزارت کشاورزی بوده و در بعضی دیگر نیز به عنوان یکی از ادارات تابعه آن فعالیت می‌کند. در مواردی نیز بخش ترویج کشاورزی در داخل سازمانها یا وزارتخانه‌های دامپروری، شیلات، جنگلداری، آبیاری، توسعه روستایی، تعاون و غیره قرار دارد. در واقع این در شرایطی است که این سازمانها جزو وزارت کشاورزی نبوده و به صورت «کاملاً» مستقل عمل می‌کنند.

برخی از کشورها هستند که دارای یک سازمان ترویج کشاورزی واحد و منسجم هستند، مانند سازمان ترویج کشاورزی در تایلند و بنگلادش، اداره «ترویج کشاورزی در اندونزی»، «اداره ارشاد»<sup>(۲)</sup> و سازمان توسعه روستایی در جمهوری کره.

در بسیاری از کشورها، فعالیتها و وظایف ترویجی به عنوان بخشی از وظایف و کارکرد وزارت کشاورزی می‌باشد؛ در صورتی که، در برخی از کشورها، ترویج کشاورزی وظیفه چندین سازمان و مؤسسه می‌باشد، که هر یک دارای تشکیلات ترویجی جداگانه‌ای هستند.

فعالیتهای ترویجی همچنین از طریق پروژه‌های مخصوص غیردولتی و سازمانهای خصوصی نیز انجام می‌گیرند. در بعضی از این سازمانها، ترویج کشاورزی به عنوان کارکرد و وظیفه اصلی سازمان محسوب می‌گردد، در صورتی که برخی دیگر از این نوع سازمانها ممکن است وظیفه اصلی متفاوتی داشته و فعالیتهای ترویجی را جهت تضمین موفقیت خود در رسیدن به اهداف دیگر انجام



اشاره:

مقاله‌ای که به دنبال خواهد آمد، تلخیص شده از گزارش نهایی «طرح ۴» از مجموعه گزارش‌های مطالعاتی «ستاد طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران» می‌باشد که در طی آن به مطالعه و بررسی نظامهای ترویج کشاورزی در کشورهای مختلف جهان پرداخته است. گزارش نهایی این طرح مطالعاتی با مسئولیت دکتر سید محمود حسینی در سال ۱۳۷۵ تهیه و تدوین گردیده و مقاله زیر که تلخیصی از این گزارش می‌باشد، توسط آقای مهندس محمدهادی امیرانی به رشته تحریر درآمده است. امید است که مورد عنایت و استفاده عموم صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان قرار گیرد.



دهند، مانند اتحادیه تولیدکنندگان rubber، بنگاه توسعه پنبه، پروژه مدیریت آبخیزداری، تعاونی اعتبارات روستایی، یا پروژه توسعه روستایی / کشاورزی تلفیقی. علاوه بر مؤسسات و سازمانهای میدانی دولتی، فعالیتهای ترویجی کشاورزی از طریق مؤسسات بانکی اعتباری، تهیه کنندگان نهادههای کشاورزی، سازمانهای خصوصی داوطلبانه، گروههای مذهبی، شرکتهای دولتی یا خصوصی خریدار محصولات کشاورزی نیز انجام می پذیرد.

## شکل گیری نظامهای ترویج کشاورزی

نظام ترویج کشاورزی رسمی و سازمان یافته به عنوان یک مکانیسم محوری در فرایند توسعه کشاورزی قرن حاضر، در ابتدا، در کشورهای توسعه یافته صنعتی و در چندین دهه اخیر نیز در اغلب کشورهای در حال توسعه و از جمله کشورهای آسیایی به تدریج شکل گرفته است.

در کشورهای که تحت استعمار قرار گرفته بودند، نظام ترویج کشاورزی به عنوان ابزاری جهت افزایش تولید مواد خام مانند پنبه، لاستیک (rubber) و کف (Jute) که مورد نیاز صنایع در کشورهای استعمارگر بوده معرفی شده است.

در واقع، فعالیتهای اولیه بخش ترویج کشاورزی دولتی به منظور افزایش بهره‌وری کار روستاییان در جهت تقسیم تولید مواد غذایی ارزان قیمت برای مردم شهرها و تهیه مواد خام برای صنایع شهری و صادرات شروع گردید.

تلاشهای مربوط به ایجاد سازمانهای ترویجی در آسیا مخصوصاً در شرایط بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به سیاستهای جدید بین المللی کشورهای غربی، ابعاد جدیدی به خود گرفته و کمکهای مالی و خارجی بخصوص از طرف آمریکا و بانک جهانی که با اهداف اقتصادی، سیاسی خاصی به این کشورها داده می شد، فرایند تشکیل این سازمانها را تسریع نمود.

تلاشهای اولیه جهت ایجاد نظامهای ترویجی در این کشورها، به علت تقلید کامل از الگوهای ترویجی غربی و نیز محدودیتها و عوامل بازدارنده جدی در شرایط بسیاری از کشورهای در حال توسعه در بسیاری از موارد توأم با موفقیت نبوده است.

تجربیات حاصله از شکستهای اولیه در ایجاد نظام رسمی ترویج کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، و مهمتر از آن، علاقه کشورهای آسیایی به سعی و کوشش بیشتر در جهت نیل به خودکفایی و امنیت غذایی، علاقت و انگیزه‌های جدیدی را برای اغلب این کشورها در خصوص ایجاد یک نظام ترویج کشاورزی، به عنوان یک مکانیسم کارآ برای افزایش تولید مواد غذایی از طریق انتقال تکنولوژی جدید، ایجاد نمود. علاوه بر این، توجهات سازمانهای بین المللی اهداکننده کمکهای مالی به ترویج کشاورزی نیز سبب گردید که بسیاری از کشورها، نظام ترویج کشاورزی خود را ایجاد نمودند یا نظام قبلی خود را از نو سازماندهی کردند. در نتیجه، امروزه اغلب کشورها دارای یکی از انواع نظام ترویجی هستند. در برخی از این نظامها، تحولات و

اصلاحات اساسی، انجام گرفته و به نظامهای متناسب و مفیدی تبدیل شده‌اند که می توان آنها را با اتخاذ تدابیر و تمهیدات لازم در شرایط مشخص کشورهای مختلف پیاده کرد (A.W.Jalil, 1994). به طور کلی، نظامهای ترویج کشاورزی در آسیا در حال تقویت بوده و توسط دولتهای این کشورها حمایت می شوند.

## رهیافتها و مخاطبان عمده

نظامهای ترویج کشاورزی از نظر کارکرد و اهداف با یکدیگر متفاوتند. لذا مخاطبان و رهیافت‌های مورد استفاده نیز با توجه به منابع مالی، سیاستها و برنامه‌های مختلف فرق می کنند. تعداد معدودی از نظامهای ترویج کشاورزی فقط از یک رهیافت مشخص استفاده می کنند، در صورتی که بیشتر آنها مجموعه‌ای از استراتژیهای مختلف را در چارچوب کلی یک رهیافت مورد استفاده قرار می دهند (جدول شماره ۱).

رهیافت ترویجی غالب که در اکثر کشورهای آسیایی به کار گرفته می شود، همانا ترویج متعارفی یا عمومی<sup>(۱)</sup> است که ظاهراً برای بهبود اثربخشی و بهره‌وری تمامی امور و فعالیتهای کشاورزی

تلاشهای مربوط به ایجاد سازمانهای ترویجی در آسیا مخصوصاً در شرایط بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به سیاستهای جدید بین المللی کشورهای غربی، ابعاد جدیدی به خود گرفته و کمکهای مالی و خارجی بخصوص از طرف آمریکا و بانک جهانی که با اهداف اقتصادی، سیاسی خاصی به این کشورها داده می شد، فرایند تشکیل این سازمانها را تسریع نمود.

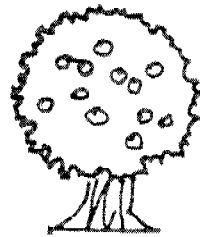
(محصولات زراعی، باغی، دامپروری، مدیریت زراعی، اقتصاد منزل و غیره) فعالیت می کنند. اما در ۱۵ سال اخیر بسیاری از کشورها "نظام آموزش و دیدار" را که از طرف بانک جهانی حمایت می شود، به کار گرفته‌اند. علاوه بر این رهیافت عمده، رهیافتهای دیگر، از جمله رهیافت ترویجی اعمال شده در چارچوب پروژه‌های توسعه کشاورزی - روستایی تلفیقی<sup>(۲)</sup>، رهیافت تخصصی کالا<sup>(۳)</sup> و رهیافت پروژه‌های با انجام اصلاحات و تعدیلاتی به منظور تطبیق با شرایط و نیازهای خاص در این کشورها پذیرفته شده است. اکنون یک نظام ترویجی خالص و ناب در این کشورها به ندرت مشاهده می شود. در حال حاضر نظام آموزش و ملاقات و نیز دیگر رهیافت‌های ترویجی، مورد جرح و تعدیل و اصلاح قرار گرفته و یا به نحوی با یکدیگر تلفیق شده‌اند تا بتوانند با ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی هر کشور و نیازهای مشخص کشاورزان آنها منطبق گردند. به طور کلی، اهداف دنبال شده در ترویج و منابع تخصیص داده شده به آن و رهیافت به کار گرفته شده در نظام ترویجی، در سازمانهای ترویجی کشورهای مختلف دارای تفاوتهای زیادی می باشد و به همین ترتیب مناطق تحت پوشش فعالیتهای ترویجی، از باب رجوع ترویج و عملکردها دست‌آوردهای آن

جدول شماره ۱ - رهیافتها و مخاطبان عمده ترویج کشاورزی در کشورهای آسیا و پاستفک

کشور	رهیافت و روش عمده مورد استفاده	مخاطبان عمده
استرالیا	مختص کشاورزان، تهر و حذب	کشاورزان تمامی برک و توجیند، کشاورزان برک، آل
کانادا	نظام آموزش و دیدار، پروژه‌های	کشاورزان مورد پشتیبانی، کشاورزان سرمایه
ژاپن	مطالعات، برگزاری کارگاه، واجد، مشاوره	کشاورزان برک/کوچک، و خودمختار
نیپال	ترویج از انواع و استفاده از رهیافت جمله	کشاورزان خودمختار، سرمایه، کشاورزان تولیدکننده، Rubber
هند	مشاوره، دوره‌های آموزشی، بازدید	رهیافت، سرمایه، سرمایه، کشاورزان، کوچک و زمین
اندونزی	توسعه روستایی، مشاوره	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
مالزی	نظام آموزش و دیدار	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
پاکستان	نظام آموزش و دیدار، مشاوره	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
بنگلادش	مشاوره، مشاوره	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
برزیل	آموزش و دیدار	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
ایران	آموزش و دیدار، پروژه‌های	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
کره	آموزش و دیدار، مشاوره	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
ژاپن	آموزش و دیدار	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
ایران	آموزش و دیدار	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک
ایران	آموزش و دیدار	کشاورزان، زمین، سرمایه، کشاورزان، برک، کوچک

منبع: نشریه ماهنامه، در اصفهان، سازمانهای ترویج کشاورزی و مشاوره، ۱۹۹۱

قسمت عمده وقت و منابع سازمانهای ترویج کشاورزی در آسیا به کشاورزان تجاری کوچک، کشاورزان معیشتی و تولیدکنندگان کالاهای معین اختصاص یافته است. این وضعیت در واقع بازتاب و نشانگر اهداف و سیاستهای دولتها در رابطه با سیاستهای رشد و توسعه ملی می باشد



جدول شماره ۲ - درصد وقت و منابع اختصاص یافته به گروههای مختلف مخاطبین به وسیله سازمانهای ترویج کشاورزی

مناطق مختلف جهان (درصد وقت اختصاص یافته)							گروههای مخاطبین
میانگین جهانی	خاور نزدیک	آمریکای شمالی	آمریکای لاتین	اروپا	آسیا و پاسیفیک	آفریقا	
۹	۶	۲۳	۹	۲۲	۷	۳	کشاورزان تجاری بزرگ
۲۶	۲۵	۲۵	۳۳	۲۷	۲۹	۱۷	کشاورزان تجاری کوچک
۲۳	۳۲	۱	۲۴	۵	۱۷	۲۶	تولیدکنندگان کالاهای معین
۲۲	۱۲	۱	۱۸	۲	۲۸	۳۱	کشاورزان معیشتی
۵	۹	۱	۵	۳	۳	۷	کشاورزان زن
۲	۵	۱	۲	۱	۴	۱	تولیدکنندگان فاقه زمین
۵	۲	۴	۴	۵	۶	۸	کشاورزان جوان
۲	-	۱۲	۱	۲	۲	۲	حوانات روستایی
۱	۱	۹	-	۴	۲	۱	اقتصاد و مدیریت خانه
۵	۴	۲۳	۲	۹	۲	۲	گروههای دیگر
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد کل
۱۳۲	۱۶	۴	۳۹	۷	۲۸	۳۸	N

در سالهای اخیر، در بسیاری از کشورهای آسیایی، تلاشهای چشمگیری در جهت بهبود بخشیدن به وضعیت کلی ترویج کشاورزی صورت گرفته است. به عنوان مثال، در بنگلادش ۶ مؤسسه مرتبط با فعالیتهای ترویجی در سال ۱۹۸۲ یکدیگر ادغام گردیده و «سازمان ترویج کشاورزی» (۷) را تشکیل دادند. در فیلیپین، وظایف صنفی (۸) دواير مختلف کشاورزی (صنایع زراعی، صنایع دامی، آب و خاک، شیلات، ترویج کشاورزی) تحت برنامه تمرکززدایی دولت در سطوح منطقه‌ای و استانی در یکدیگر ادغام شده و به صورت تشکیلات واحدی درآمدند.

در سایر کشورها که هنوز تعدد سازمانهای ترویجی وجود دارد، در سطوح مختلف تشکیلات مدیریتی، کمیته‌های هماهنگی تشکیل گردیده‌اند. به عنوان مثال، در کشور اندونزی که هر اداره کل (۹) دارای قسمت ترویجی مخصوص به خود می باشد، کمیته‌های هماهنگی در سطوح ملی، استانی و محلی ایجاد گردیده است.

با توجه به تجربیاتی که کشورهای مختلف از طریق به کارگیری و اجرای برنامه‌ها و فعالیتهای مختلف ترویجی کسب می کنند، این فرآیند ادغام و یکپارچه‌سازی و تجدید سازماندهی در نظامهای ترویج کشاورزی همچنان ادامه دارد. در واقع، هر اندازه که کشوری از نظر توسعه پیشرفت می کند، به همان اندازه مدل‌های موجود مخصوصاً مدل متعارفی ترویج کشاورزی، کم رنگ تر شده و مورد تجدیدنظر و اصلاحات اساسی قرار می گیرد. به عبارت دیگر، همزمان و همسو با رشد و توسعه کشاورزی، ضرورت تدوین و طراحی نظامها و الگوی جدید، متناسب با نیازها و مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی جوامع روستایی و بخش کشاورزی، بیشتر از پیش ملموس می گردد.

تلاشهای مختلفی که در راستای بهبود شرایط اقتصادی - اجتماعی جوامع روستایی صورت گرفته، ولی تاکنون نتایج حاصله از پیشرفتهای اقتصادی و فعالیتهای توسعه، نصیب اکثریت کشاورزان خرده‌پا و فقیر نگردیده است. با توجه به این وضعیت، اخیراً بسیاری از این کشورها تلاش می کنند تا سیاستها و خط مشی‌هایی اتخاذ نمایند تا بتوانند قشرهای آسیب پذیر، مخصوصاً کشاورزان معیشتی، کم زمین و بی زمین و نیز زنان را تحت پوشش برنامه‌های موثر خود قرار دهند.

### سازماندهی تشکیلاتی

ساختار تشکیلاتی سازمانهای ترویج کشاورزی در بین کشورهای مختلف آسیا و پاسیفیک فرق می کند. ساختار تشکیلاتی و سازماندهی نظام ترویج کشاورزی تحت تاثیر سیاستهای توسعه بخش کشاورزی و نیز وضعیت و ویژگیهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشورهای مختلف و مخصوصاً جو سیاسی غالب در آنها می باشد.

همان طوری که در فوق اشاره گردید، امکان دارد در هر کشوری چندین نوع تشکیلات و سازمان ترویجی مسئولیت ارائه خدمات آموزشی به کشاورزان را برعهده داشته باشند. در موارد خاصی سازمانهای مختلف ترویجی برای ارائه خدمات به یک بخش واحد و معین در کشاورزی به صورت تداخل وظایف و دوباره کاری، خدمات ارائه می دهند. در برخی دیگر از کشورها، در سازمانها برای هر یک از بخشها و قسمتهای مختلف کشاورزی، تشکیلات ترویج جداگانه‌ای وجود دارد، مثلاً ترویج مربوط به محصولات زراعی از ترویج شیلات، دامپروری یا خانه داری مجزا می باشد.

نیز با توجه به عوامل مذکور متفاوت است. به طور کلی می توان گفت که علیرغم نارساییها، مشکلات و موانع متعددی که نظامهای ترویجی در گذشته و حال با آنها مواجه بوده‌اند، نقش آنها در افزایش تولیدات کشاورزی کاملاً محسوس بوده است. در هر جا که تمرکز عمده فعالیتهای ترویجی بر روی توسعه و انتقال تکنولوژی به کشاورزان بزرگ و متوسط بوده، موفقیت‌ها بسیار چشمگیر بوده است. اما سازمانهای ترویجی در ابداع، تولید و انتقال فناوری مناسب برای کشاورزان خرده‌پا و معیشتی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنان و فراهم آوردن زمینه‌های مشارکت آنها در فعالیتهای اجتماعی؛ عملکرد و دست آورد بسیار ناچیزی داشته‌اند. در واقع، قشرهای مختلف کشاورزان کم زمین، بی زمین، و آنهایی که دارای امکانات کمتری بوده و یا از نظر سواد و تحصیلات در سطوح پایین بوده و آسیب پذیر به شمار می آمده‌اند (از جمله زنان کشاورز)، یا کلاً تحت پوشش برنامه‌های نظامهای ترویجی موجود قرار نمی گرفته‌اند و یا اینکه خدمات بسیار ناچیزی به آنها ارائه می گردیده است.

نتایج و یافته‌های طرح مطالعاتی سازمان کشاورزی و خواربار جهانی سازمان ملل (FAO) درباره درصد وقت و منابع اختصاص یافته به گروههای مختلف مخاطبان در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. همان طور که در این جدول مشاهده می شود، قسمت عمده وقت و منابع سازمانهای ترویج کشاورزی در آسیا به کشاورزان تجاری کوچک، کشاورزان معیشتی و تولیدکنندگان کالاهای معین اختصاص یافته است. این وضعیت در واقع بازتاب و نشانگر اهداف و سیاستهای دولتها در رابطه با سیاستهای رشد و توسعه ملی می باشد. علیرغم پیشرفتهای چشمگیری که در توسعه اقتصادی اغلب کشورهای آسیایی حاصل گردیده و همین طور

جدول شماره ۳ - انواع سازمانهای ترویجی عمده در کشورهای آسیا و پاسیفیک

کشور	سازمان اصلی ترویج	وضعیت قانونی	نوع سازمان / نظام
استرالیا	سازمان (دپارتمان) کشاورزی (Department of Agriculture)	دولتی	ترویج در بخش تخصصی مستقر است
بنگلادش	سازمان (دپارتمان) کشاورزی (Department of Agriculture)	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
یونان	سازمان (دپارتمان) کشاورزی (Department of Agriculture)	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
میانمار	نماینده کشاورزی (Agricultural Cooperative)	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
جمهوری خلق چین	مرکز ملی	وزارت کشاورزی (نیمه دولتی)	مستقر در وزارتخانه
فیلیپین	دپارتمان کشاورزی	وزارت صنایع اولیه (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
هند	کمیسیون ترویج	وزارت کشاورزی (دولتی)	برنامه‌های ترویج کشاورزی منطقه‌ای دولتی
اندونزی	اداره ترویج کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
ژاپن	ترویج کشاورزی تعاونی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
جمهوری کره	مدیریت توسعه روستایی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
مالزی	دپارتمان کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
نیپال	دپارتمان کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
نوزیلند	خدمات مشاوره‌ای ملی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
پاکستان	دپارتمان کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
فیلیپین	دپارتمان کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه
سرلانکا	دپارتمان کشاورزی	وزارت توسعه کشاورزی و تحقیقات	مستقر در وزارتخانه
تایلند	سازمان ترویج کشاورزی	وزارت کشاورزی (دولتی)	مستقر در وزارتخانه

منبع: جمع‌آوری شده از نشریه «راه‌نمای بین‌المللی سازمانهای ترویج کشاورزی» فائو، ۱۹۹۱.

## منابع انسانی

یکی از عوامل عمده تعیین‌کننده در موفقیت فعالیتهای هر سازمان، برخورداری آن از پرسنل کافی، کارآمد و آموزش دیده می‌باشد. در رابطه با ترویج کشاورزی نیز، این امر تأثیر بسیار مهمی در اثربخشی فعالیتهای سازمان ترویج دارد.

در منطقه آسیا و پاسیفیک، برآورد گردیده است که حدود ۸۰ درصد پرسنل ترویج به عنوان پرسنل صحرائی<sup>(۱)</sup>، ۷ درصد به عنوان مدیر<sup>(۲)</sup> و ۱۳ درصد به عنوان متخصصان موضوعی<sup>(۳)</sup> استخدام گردیده‌اند. نسبت مروج به کشاورز از حدود ۱ به ۳۵۰ در فیلیپین تا به ۱ به هزار در تایلند متغیر است. غیر از جمهوری خلق چین که براساس گزارش در حدود ۱۲۰ هزار نفر مروج کشاورزی دارد، در طول دهه گذشته، بهبود قابل توجهی در نسبت مروج به زارع، پس از معرفی نظام آموزش و دیدار در کشورهای شرکت‌کننده در این طرح مشاهده گردیده است. در چارچوب نظام آموزش و دیدار، رسیدن به نسبت ۱ به ۸۰۰ برای انتقال مؤثر فناوری به کشاورزان به عنوان هدف تعیین گردیده است.

اگرچه این نسبت در برخی از کشورها فراهم گردیده است، میانگین ملی هنوز خیلی پایین‌تر از نسبت موردنظر در کشورهای معین است. شاخص‌های به دست آمده از مطالعات موردی نشان می‌دهد حداکثر تعداد کشاورزانی که یک مروج می‌تواند به آنها به طور مؤثر خدمات آموزشی ارائه دهد، در سال حدود ۵۰۰ نفر می‌باشد. این موضوع معنی و مفهوم خاصی برای مدیریت کارآمد نظام ترویج در کشورهایی که نسبت مروج به زارع در آنها پایین است، دربر دارد. رهیافت زراعت گروهی<sup>(۴)</sup> در حل این مشکل می‌تواند مؤثر واقع گردد.

## متخصصان موضوعی (SMSs)

از پرسنل ترویج انتظار می‌رود که در خصوص مسائل و موضوعات مختلف به کشاورزان کمک کنند. بدین منظور لازم است که دانش فنی آنها به طور مداوم ارتقا یابد. در این رابطه، کارشناسان موضوعی ترویج یک نقش بسیار اساسی را در انتقال دانش جدید فنی به کشاورزان برعهده دارند. آنها علاوه بر این که از نظر آموزشهای علمی و فنی، مروجان را حمایت می‌کنند، به عنوان رابط بین سازمانهای تحقیقاتی و ترویجی نیز ایفای نقش می‌کنند.

نسبت کارکنان صحرائی به متخصصان موضوعی از ۱ به ۱۰ در بنگلادش و مالزی تا ۱ به ۲۰ در هند و اندونزی متغیر است.

تعداد کارشناسان موضوعی در طول سالهای اخیر، مخصوصاً پس از معرفی نظام آموزش و دیدار در برخی از کشورها افزایش یافته است.

## وضعیت مروجان زن

اگرچه زنان نقش بسیار اساسی در بخش کشاورزی داشته و میزان دخالت آنها در فعالیتهای کشاورزی اگر در بعضی از کشورها از مردان بیشتر نباشد، حداقل با آنها یکسان است؛ با این وجود تا به حال مخاطبان اصلی سازمانهای ترویجی عمدتاً رؤسای خانوار کشاورز، یعنی مردان بوده‌اند. با شناخت واقع‌بینانه‌تری که اخیراً از نقش زنان در کشاورزی حاصل می‌گردد، سیاستها و خط مشی‌های جدید مبنی بر ارائه کمک و خدمات متناسب به زنان کشاورز، یعنی کسانی که هم مسئولیت کشاورزی و هم مدیریت خانواده را برعهده دارند، تقویت می‌شوند.

با توجه به درک ضرورت و اهمیت ارائه خدمات

ترویجی به زنان کشاورز و همچنین با توجه به این واقعیت که در بسیاری از کشورها به علت محدودیت‌های اجتماعی در برقراری ارتباط مروجان مرد با زنان کشاورز، مشکلات به حدی وجود دارد که در سالهای اخیر اهمیت مروجان زن در این کشورها مورد توجه قرار گرفته و اقدامات جدیدی برای جذب و آموزش این مروجان در سازمانهای ترویجی صورت می‌گیرد.

درصد مروجان کشاورزی زن در سازمانهای ترویج کشاورزی کشورهای آسیایی و پاسیفیک از ۲ درصد در نیپال تا حدود ۴۰ درصد در فیلیپین متغیر است. درصد مروجان زن به طور کلی در کشورهای آسیای جنوبی در مقایسه با دیگر مناطق آسیا پایین‌تر است.

دولتها عمده‌ترین استخدام‌کنندگان پرسنل ترویج هستند. سازمانهای بخش خصوصی، مؤسسات آموزشی و شرکتهای نیز برای اهداف و مقاصد خود به استخدام پرسنل ترویج مبادرت می‌ورزند.

اثربخشی و کارایی نظام ترویج کشاورزی با وضع کیفی پرسنل ترویج ارتباط مستقیم دارد.

مطالعه‌ای که توسط «فائو» در خصوص سطح تحصیلات و خصوصاً شغلی پرسنل ترویج انجام گرفته، نشان‌دهنده آن است که بیش از ۴۰ درصد پرسنل ترویج در آسیا و پاسیفیک دارای تحصیلات آموزش متوسطه بوده‌اند. تعداد نسبتاً اندک پرسنل دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر نشانگر وجود یک مشکل جدی در تعدادی از کشورهای این منطقه می‌باشد. زیرا وجود پرسنل متخصص ترویجی با تحصیلات عالی در امر سیاستگذاری، مدیریت، سرپرستی و نظارت و ارزشیابی پرسنل و برنامه‌های ترویجی امری ضروری به شمار می‌رود. (جدول شماره ۴).

اثربخشی و کارایی نظام ترویج کشاورزی با وضع کیفی پرسنل ترویج ارتباط مستقیم دارد.

مطالعه‌ای که توسط «فائو» در خصوص سطح تحصیلات و خصوصاً شغلی پرسنل ترویج انجام گرفته، نشان‌دهنده آن است که بیش از ۴۰ درصد پرسنل ترویج در آسیا و پاسیفیک دارای تحصیلات آموزش متوسطه بوده‌اند.



### ارتباط بین تحقیق و ترویج

نقش متعارف ترویج کشاورزی عبارت است از انتقال اطلاعات مفید در رابطه با نهاده‌ها، روشها و فنون کشاورزی به کشاورزان و تشویق و ترغیب آنها جهت کاربرد این اطلاعات در فعالیتهای کشت و کار خود. در عین حال، همچنین ترویج به عنوان یک کانال ارتباطی دو طرفه برای مرتبط ساختن نیازها و مسائل و مشکلات کشاورزان با سازمانها و خدمات حمایتی کشاورزان ایفای نقش می‌کند. جهت حصول اطمینان از این که کشاورز فناوری پیشرفته جدید را پذیرفته و از آن سود می‌برد و همین‌طور ترویج نقش خود را به طور مؤثری ایفا می‌کند، می‌باید مکانیسم‌های لازم و کافی جهت انتقال نهاده‌ها، اطلاعات و خدمات حمایتی به کشاورزان و انطباق و سازگار نمودن آنها با نیازها و امکانات کشاورزان وجود داشته باشد. عمدتاً در تلاشهای گذشته، ترویج مورد تأکید قرار گرفته و تحقیقات فراموش شده است. اغلب در گذشته چنین فرض می‌شده است که دانش فنی به اندازه کافی وجود دارد و می‌توان آن را به آسانی در عمل به کار برد. تحقیقات به آن صورتی که باید و

شاید، هیچ‌گاه در اولویت لازم قرار نگرفته است. در تعامل بین ترویج و سازمانهای تحقیقاتی، همیشه نارساییهای جدی وجود داشته و باز خورد<sup>(۱۱)</sup> از طرف کشاورزان به طرف تحقیق و ترویج بسیار محدود بوده است.

اگرچه ضرورت و اهمیت ارتباط تنگاتنگ بین تحقیق، ترویج، کشاورزان و سازمانهای حمایتی کشاورزی در رهیافت‌های مختلف ترویج کشاورزی همواره مورد تبلیغ و تأکید بوده، اما به طور کلی این مکانیسم هنوز نیز به طور بایسته در هیچ یک از رهیافتها ایجاد نگردیده است.

جدایی سازمانی و نهادی و مکانیسم ضعیف برای هماهنگی منجر به فعالیت جداگانه و متزوی سازمانهای مربوط گردیده است. این شرایط سبب گردیده است که به جای همکاری و تکمیل نارساییهای فعالیت یکدیگر، این نوع سازمانها گاهی حتی به رقابت ناسالم بپردازند.

علیرغم برخی از اقدامات و نیز شاخصهای معینی که در برخی از کشورها در مورد وجود یک ارتباط قابل قبول یا قوی بین ترویج و تحقیق مشاهده می‌شود، این ضعف اساسی ترویج در بسیاری از

در طول سالهای اخیر، تجربه نشان داده است که ابداع و توسعه فناوری به تنهایی برای افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت زندگی مردم روستایی کفایت نمی‌کند. فناوری، خود با همه اهمیت که دارد، فقط یکی از اجزا و مؤلفه‌های یک فرآیند پیچیده است. عوامل غیر تکنیکی را می‌توان از جمله دلایل مهم شکست و ناکامی بسیاری از فعالیتهای توسعه روستایی به حساب آورد.

کشورهای آسیایی همچنان به قوت خود باقی است. نظر به این که رقابت تحقیق و ترویج برای برخورداری از منابع و امکانات محدود همچنان ادامه خواهد یافت، لازم است که مکانیسم‌های مؤثری برای ایجاد یک ارتباط و تعامل سازنده بین مؤسسات تحقیق، ترویج، سازمانهای حمایتی و کشاورزان به وجود آید تا بدین طریق امر شناسایی نیازهای کشاورزان و ارائه راه حل برای آنها و نیز تسهیل بازخورد از طرف زارعان به این مؤسسات تسهیل گردد.

### مشارکت مخاطبان<sup>(۱۲)</sup>

در طول سالهای اخیر، تجربه نشان داده است که ابداع و توسعه فناوری به تنهایی برای افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت زندگی مردم روستایی کفایت نمی‌کند. فناوری، خود با همه اهمیت که دارد، فقط یکی از اجزا و مؤلفه‌های یک فرآیند پیچیده است. عوامل غیر تکنیکی<sup>(۱۳)</sup> را می‌توان از جمله دلایل مهم شکست و ناکامی بسیاری از فعالیتهای توسعه روستایی به حساب آورد.

جدول شماره ۳ - سطح تحصیلات پرسنل ترویج بر اساس درصد کارکنان در هر سطح تحصیلی

(گروه‌بندی شده بر طبق مناطق مختلف جهان، ۱۹۸۸)

مناطق مختلف جهان (درصد پرسنل ترویج)							
میانگین جهانی	خاور نزدیک	آمریکای شمالی	آمریکای لاتین	اروپا	آسیا و پامینیک	آفریقا	سطح تحصیلات پرسنل ترویج
۳۸/۸	۶	۳۵	۲۷/۸	۱۱/۹	۲۰/۲	۵۶/۳	تحصیلات متوسط یا معادل آن
۳۳/۳	۳/۷	۱۸/۹	۳۹/۹	۵۲/۸	۳۵/۴	۳۲	تحصیلات فوق دیپلم یا معادل آن
۲۲/۹	۴۸/۷	۲۲/۷	۲۵/۷	۳۲/۵	۲۰/۲	۹/۲	لیسانس یا معادل آن
۵	۲۱/۶	۳/۴	۶/۶	۰/۸	۳/۸	۲/۵	بالتر از لیسانس
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع

از آنجا که مخاطبان و ارباب رجوع برنامه‌های توسعه، مردم هستند، در گرایشهای اخیر، مردم به عنوان هم‌وسيله و ابزار و هم به عنوان بهره‌گیران از منافع توسعه، مورد توجه خاص قرار می‌گیرند. توسعه منابع انسانی و دخالت دادن این منابع در فرآیند توسعه، یک عنصر اساسی در معادلات توسعه اجتماعی روستایی به شمار می‌رود.

تاکنون، دخالت دادن اجتماعات روستایی و کشاورزان در برنامه‌ریزی و توسعه برنامه‌های ترویجی مربوط به خودشان، گسترش چندانی نداشته است. این وضعیت را می‌توان به سنت‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی «بالا به پایین» نسبت داد. باور غالب این است که مشارکت کشاورزان در طراحی برنامه‌ها ممکن است امر برنامه‌ریزی را پیچیده‌تر کرده و مشکلات و موانعی برای برنامه‌ها و اولویت‌های دولتی به وجود آورد. علاوه بر این، در سازمانهای ترویج کشاورزی کشورهای آسیایی، مروجان امکان آموزشهای نظری و عملی کافی را در رابطه با روشهای مشارکت دادن کشاورزان در مراحل مختلف برنامه‌ریزی‌های ترویجی ندارند. در این خصوص لازم است تمهیدات و تدابیر لازم، جهت آشنا نمودن مروجان و دست‌اندرکاران ترویجی به شیوه‌های عملی و مشارکت دادن مردم و لحاظ نمودن نظریات آنها در مراحل مختلف برنامه‌ریزی، اتخاذ گردد. در واقع، این دیدگاه می‌تواند یک فاصله‌گیری مشخص از رهیافت‌های سنتی برنامه‌ریزی ترویجی باشد.

با این حال، مطالعات انجام گرفته در منطقه آسیا و سیاسفیک نشان می‌دهد که کشاورزان در برنامه‌ریزی و اجرای برخی از فعالیتهای آموزشی ترویج، مانند بازدیدهای صحرایی و انجام نمایشها، مشارکت داده می‌شوند. در برخی موارد نیز آنها در تهیه برنامه کار و برآورد هزینه برنامه‌ریزی‌های مختلف دخالت داشته‌اند.

## بودجه و هزینه‌های مالی نظامهای ترویج

نظام ترویج کشاورزی دارای نقش پیچیده‌ای است. خدماتی که ترویج ارائه می‌دهد، بسیار گسترده و متنوع بوده و تعداد سازمانها و مؤسساتی که به نحوی از آنها دارای وظایف ترویجی هستند، زیاد می‌باشد. علاوه بر این، کشورهای مختلف از نظر تعداد خانوارهای زارع که باید به آنها خدمات ترویجی داده شود و همچنین سطح توسعه بافنگی ارباب رجوع و سیاستهای ملی کشاورزی، دارای وضعیت ویژه‌ای هستند. لذا هیچ گونه معیار دقیق و روشنی در مورد اینکه هر یک از کشورهای منطقه عملاً به چه میزان در ترویج کشاورزی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند، وجود ندارد.

اخیراً تلاشی صورت گرفته است تا روشهای مختلفی برای تعیین میزان سرمایه‌گذاری و هزینه‌های ملی در ترویج کشاورزی به دست آید. گرچه تاکنون اعداد و ارقام کلی در این رابطه ارائه نگردیده است، به نظر می‌رسد که یک رابطه مستقیم بین در صد جمعیت کشاورزی و میزان بودجه اختصاص داده شده به ترویج از طرف دولت وجود داشته باشد. به طور تقریبی، چنین برآورد گردیده است که این هزینه از

حدود ۳ درصد کل هزینه‌های دولتی در کشورهای صنعتی تا حدود ۹ درصد در کشورهای که هنوز جمعیت کشاورزی در آنها غالب است، تغییر می‌کند.

روش دیگر برآورد هزینه اختصاص یافته، از طریق محاسبه درصد تولید ناخالص ملی کشاورزی<sup>(۱)</sup> (AGDP) می‌باشد. به طور کلی، چنین برآورد گردیده است که کشورها حدود ۰/۹ درصد، خود را به ترویج کشاورزی اختصاص داده‌اند. کشورهای صنعتی در این زمینه کمتر هزینه می‌کنند، در صورتی که کشورهای کوچک در منطقه آسیا و سیاسفیک، نسبت بالایی از AGDP خود را به ترویج کشاورزی اختصاص می‌دهند. بودجه‌های اختصاص یافته به ترویج، زمانی افزایش یافت که دولت‌ها در تشکیل و یا سازماندهی مجدد نظامهای ترویجی در مقیاس وسیع‌تر که از طرف سازمانهای بین‌المللی حمایت مالی می‌شد، مشارکت کردند. متأسفانه، در بسیاری از کشورها، هزینه‌های اولیه و نیز هزینه‌های جاری بالا، همراه با اجرای طرحهای فشرده ترویجی سراسری، بسیار فراتر از محدوده منابع مالی و انسانی دولت‌ها بوده است. نتیجتاً وقتی که کمک‌های مالی اختصاص داده شده و پروژه‌ها پایان می‌یابد، اثربخشی نظام نمی‌تواند چندان پایدار باشد. بنابراین سازمانها و خدمات ترویجی قادر به پیگیری جدی اهداف مورد نظر برای ایجاد نظام نخواهند بود.

## تحلیل تیپ‌شناسی (Analysis Typological) نظامهای ترویج در آسیا

منشاء فعالیتهای سیستماتیک و سراسری ترویج کشاورزی در آسیا بگونه‌ای است که در برخی از کشورها مانند فیلیپین به قرن ۱۶ میلادی، کشورهای شبه‌قاره هند به قرن ۱۹ و در دیگر کشورها نظیر مالزی به اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. با این وصف، اهداف، محتوی و شکل فعالیتهای ترویجی با اصول و مبانی امروزه ترویج تفاوت اساسی داشته و دارد. بسیاری از این نوع برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی در ارتباط با توسعه و بهبود تولید محصولات سودآور و محصولات صادراتی در بسیاری از کشورها شکل گرفته است. این نوع ترویج را می‌توان در کشورهای که قبلاً مستعمره بوده‌اند، مشاهده کرد که منافع هنگفتی را برای کشورهای استعمارگر به ارمغان می‌آورد.

در بسیاری از کشورهای جهان نظام ترویج کشاورزی بعد از کسب استقلال در دوران پس از جنگ جهانی دوم ایجاد گردید که در این راستا تحول و تجدیدنظرهایی در اصول، مبانی و مفهوم ترویج کشاورزی به وجود آمد. یکی از تعاریف کلاسیک ترویج کشاورزی که مدتها مورد توافق صاحب‌نظران ترویج در سطح بین‌المللی قرار داشت، تعریفی است که «ماندر» (Mauder, 1973) رئیس سابق سازمان کشاورزی و خواربار جهانی ارائه نمود. از نظر وی، ترویج عبارت است از خدمات و نظامی که با استفاده از روش‌های آموزشی، کشاورزان را در جهت بهبود بخشیدن روش‌ها و فنون کشاورزی، افزایش

بهره‌وری تولید و درآمد، بهبود وضعیت زندگی، ارتقاء سطح استانداردهای اجتماعی و آموزشی زندگی روستاییان کمک می‌کند. تعریف فوق در گذشته بسیار شناخته شده بود و در موارد مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما این تعریف و بسیاری تعاریف دیگر در مورد «ترویج معارف» ارائه گردید.

به علت تغییر و تحولات حاصله در رابطه با مفهوم، قلمرو و رهیافتهای ترویج کشاورزی، در حال حاضر دیگر فقط به کشاورزانی که عملاً به کار زراعت و دامپروری مشغولند محدود نمی‌شود. اینک اغلب مشاهده می‌شود که فعالیتهای ترویجی در کشورهایمانند آمریکا و جمهوری کره، جمعیت غیرکشاورزی ساکن در جوامع روستایی و زنان شهری را نیز دربر می‌گیرد.

این تغییر و تحول، در رابطه با روشهای مورد استفاده برای انجام فعالیتهای ترویجی نیز صدق می‌کند. روشهای آموزش موجود هستند که در مقاطع زمانی مشخصی در گذشته قویاً مورد تبلیغ قرار می‌گرفتند، اما امروزه این روشها فقط جزئی از مجموعه روشهای متنوع ترویج کشاورزی می‌باشند. ملاحظات دیگر شامل مسائل اجتماعی-اقتصادی، مانند انگیزه‌ها و تا حدی نیز موضوعات مدیریتی است. این بدان معنا نیست که اهمیت روشهای آموزشی انکار شود، بلکه این موضوع دیگر مانند گذشته موضوع محوری و تعیین‌کننده محسوب نمی‌گردد.

علاوه بر این، اهداف ترویج کشاورزی در کشورهای توسعه یافته، از تولید محوری<sup>(۲)</sup> به اهداف بسیار گسترده‌تری تغییر یافته است. این اهداف اینک موضوعاتی مانند محافظت و جلوگیری از آلودگی محیط زیست، محافظت از حیات وحش، بهداشت غذایی، توسعه منابع اجتماعی<sup>(۳)</sup>، صرفه‌جویی در مصرف انرژی و تفریحات و سرگرمی‌های روستایی را شامل می‌شود.

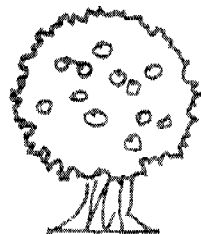
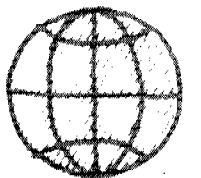
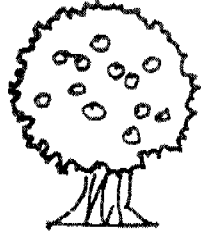
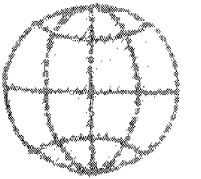
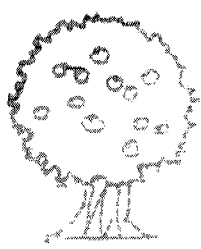
## مؤلفه‌های نظامها و عوامل مؤثر بر آنها

نظام ترویج کشاورزی از چندین عنصر تشکیل شده است. که عبارتند از: ۱- مؤسسات تحقیقی، ۲- نوآوری‌ها (که به وسیله مؤسسات تحقیقی ایجاد می‌شوند) ۳- مؤسسات ترویجی ۴- کارکنان ترویج و وسایل ارتباطی غیر شخصی ۵- کشاورزان پیشرو یا رابط و ۶- اجتماعات روستایی.

تنوع و دگرگونی در انواع نظامهای ترویج کشاورزی جهان، در واقع از ماهیت‌های متفاوت اجزای مختلف و یا از ترکیب‌های عناصر مذکور با یکدیگر حاصل گشته است.

بقیماً عوامل دیگری نیز هستند که در نوع نظام ترویج کشاورزی اثر می‌گذارند. از جمله این عوامل می‌توان به: مفاهیم اساسی مدیریت ترویج (متمرکز یا غیرمتمرکز)، سابقه تاریخی (گذشته استعماری)، وضعیت فعلی کشور از نظر مرحله توسعه و سطح کفایت غذایی اشاره نمود.

سیاستهای مربوط به نهاده‌ها و تجهیزات کشاورزی، صنایع تبدیلی کشاورزی، بازاریابی و غیره نیز در ماهیت نظام ترویج کشاورزی مؤثر است.



## تحلیل تبیین‌ولوژیک نظامهای ترویجی

چندین روش برای گروه‌بندی نظامهای ترویجی وجود دارد، اما معمول‌ترین و مفیدترین روش، گروه‌بندی آنها بر طبق دستگاه حمایت‌کننده یا متولی این نظام‌ها می‌باشد. بنابراین، انواع نظامهای ترویجی بر اساس دستگاه متولی فعالیت آنها به شرح زیر می‌باشد:

### نظام ترویج دولتی<sup>(۱)</sup>

#### الف) دولت مرکزی

این نوع نظام، در شرایطی به کار گرفته می‌شود که کشور مربوطه نسبتاً کوچک است و امکان کنترل آن از طریق یک نظام متمرکز امکان‌پذیر می‌باشد. مثال این تیپ نظامها، سیستم ترویج در کشورهای بنگلادش، جزایر کوک<sup>(۲)</sup>، فیجی، هنگ‌کنگ، هند، جمهوری دموکراتیک خلق لاتوس، مالزی، جزایر مارشال، نپال، نیوزیلند، گینه جدید، سنگاپور، سریلانکا، تایلند و ساموآی غربی می‌باشد.

کشورهای دیگری مانند کشورهای عضو «سازمان همکاری اقتصادی و توسعه» (OECD)<sup>(۳)</sup>، بلژیک، یونان، هلند، نروژ، پرتغال، اسپانیا، سوئد، ترکیه، انگلیس و ولز نیز این نوع نظام را پیاده می‌کنند.

باید متذکر شد که در بعضی از کشورها، موارد بسیار افراطی از چندگانگی<sup>(۴)</sup> مدیریت ترویجی مشاهده می‌شود. برای مثال در یک کشور آسیای جنوبی، خدمات ترویجی توسط دفاتر و ادارات متعدد (در داخل وزارت کشاورزی) ارائه می‌گردد. این دفاتر و ادارات، مسئولیت ارائه خدماتی در زمینه باغبانی، کشت توتون، کف، پنبه، پرورش دام و شیلات را برعهده دارند.

دپارتمان کشاورزی، عمده‌ترین آژانس دولتی است که مسئول ارائه خدمات فنی به کشاورزان می‌باشد. علاوه بر آن، خدمات ترویجی مشابهی نیز توسط چند وزارتخانه دیگر صورت می‌پذیرد، از جمله: وزارت صنایع و بازرگانی (برای نیشکر)، وزارت دولت محلی (برای عمران اجتماعی) و وزارت تعلیم و تربیت (برای خدمات فنی وابسته به دانشگاه کشاورزی).

#### ب) دولتهای محلی و یا استانی

در این نوع نظام، تمرکززدایی بیشتری وجود دارد و در آن به جای مدیریت مستقیم دولت مرکزی در امر خدمات ترویجی، بر استقلال و خودگردانی استانها و نواحی تاکید می‌شود.

معمولاً این نوع نظام ترویجی در کشورهای بزرگتر پیاده می‌شود که در آنها دولت مرکزی در ارائه خدمات مؤثر ترویجی با مشکلاتی مواجه می‌باشد. همچنین، این سیستم در کشورهایی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که دارای پیشینه تاریخی مبتنی بر تمرکززدایی هستند. نظام ترویجی در کشورهای نظیر استرالیا، کانادا، پاکستان و فیلیپین مثالی از مورد اول (کشورهای وسیع) و نظام ترویجی کشورهایی چون

بوتان در آسیا و ایتالیا و اروپا مثالهایی از مورد دوم (کشورهایی با سابقه تاریخ تمرکززدایی) می‌باشند.

#### ج) دولتهای محلی و یا استانی، مرکزی

این نظام موسوم به «ترویج تعاونی» است که در آن دولتهای مرکزی و سایر دولتهای سطح پایین تر، در اجرای خدمات ترویجی، متقابلاً همکاری و مشارکت می‌نمایند.

با این حال، در نظامهای ترویج کشورهایی که این سیستم را پذیرفته‌اند، تفاوتی کوچکی وجود دارد. به عبارتی، سه نوع فرعی از این نظامها وجود دارد که در آنها:

۱- دولت مرکزی نقش مهمتری از دولتهای محلی و یا استانی دارد، نظیر ژاپن؛

۲- دولتهای محلی و یا استانی، مرکزی تقریباً به طور مساوی در ایفای وظایف و مسئولیت‌ها سهیم هستند، هر چند که اجرای عملی برنامه‌های ترویجی در هر ایالت به دانشگاه لندگرت (University Land Grant) واگذار شده است، نظیر ایالات متحده؛

۳- دولتهای محلی و یا استانی مسئولیت و نقش

RDA هماهنگی اجرایی مناسبی با مؤسسات آموزشی از قبیل دانشکده کشاورزی و دانشگاه ملی ستول دارد.

مثالهای دیگر نظام مخصوص پروژه‌ای که توسط دولت اداره می‌شود عبارتند از: پروژه سدهای انحرافی بر روی رودخانه‌ها در منطقه Mahavei در سریلانکا، تعدادی از پروژه‌ها در مالزی نظیر سازمان توسعه کشاورزی مادا (MADA)، سازمان توسعه کشاورزی کمبو (KADA) و سازمان فدرال توسعه زمین. این سازمانها خدمات ترویجی مربوط به خود را مستقل از خدمات ترویجی عمومی وابسته به دولت مرکزی انجام می‌دهند.

#### ه) مؤسسات تحقیق کشاورزی

در برخی از کشورها، مؤسسه ملی تحقیق کشاورزی و یا شاخه‌های فرعی وابسته به آن تأمین خدمات ترویجی را برعهده دارند. برای مثال، شورای تحقیقات کشاورزی در هندوستان (ICAR) که نظارت بر ۵۰ مؤسسه تحقیقاتی را برعهده دارد، در دهه ۱۹۷۰ فعالیتهای ترویجی خود را آغاز نمود.



بر طبق یک بیانیه رسمی، این سیستم می‌باید نقش حمایتی یا تکمیل‌کننده‌ای در رابطه با خدمات خود ایفا نماید و یا به عنوان اهرم فشار در جهت شتاب بخشیدن به فرآیند انتقال تکنولوژی از طریق ایجاد مزارع نمایشی و آزمایشی و همچنین از طریق ارائه خدمات آموزشی و ارتباطی عمل نماید. سایر روشهایی که این سیستم در جهت نیل به اهداف خود از آنها بهره می‌جوید عبارتند از: تشویق کشاورزان به منظور ارائه بازخورد (Feed back) به طور مستقیم و بلاواسطه و همچنین پیشبرد تحقیقات در زمینه ترویج.

مهمتری نسبت به دولت مرکزی دارند، به طوری که عملکرد دولت مرکزی محدود به ارائه اطلاعات و حل و فصل مسائل مورد اختلاف بین استانها یا نواحی می‌باشد، نظیر بعضی از استانها در آلمان و سوئیس.

#### د) نظام مخصوص دولتی یا نظام پروژه‌ای

از این نوع نظام، مثالهای چندی وجود دارد. یک مورد از این نظام در جمهوری کره به عنوان سازمان مخصوص دولتی موسوم به مدیریت توسعه روستایی (RDA) دایر گردیده است. این سازمان با همکاری ایستگاههای تحقیقاتی، شبکه سراسری خدمات ترویج و آموزش را در سطح کشور اداره می‌کند.

در مورد جمهوری چین (تایوان) هر دستگاه توسعه کشاورزی استانی موظف است که نیمی از ساعات کاری کارکنان خود را به ترویج نتایج تحقیقات ارائه دهد.

## نظام دانشگاه کشاورزی

در نظام ترویجی مبتنی بر دانشگاه کشاورزی، تمامی وظایف و مسئولیتهای ترویج در راستای ارائه خدمات مربوط به عهده دانشگاه کشاورزی است. تا همین چند سال اخیر، ایالات متحده آمریکا و اسکاتلند تنها کشورهایی بودند که این نظام در آنها پیاده شده است.

در ایالات متحده آمریکا، خدمات ترویجی توسط دانشگاه «لند گران» (Land Grant University) در هر ایالت ارائه می‌گردد و کلیه هزینه‌های ترویج مشترکاً توسط مدیریت نظام ترویج در سه سطح فدرال، ایالت و شهرستان تامین می‌شود.

در حال حاضر به غیر از دو کشور فوق‌الذکر، کشورهایی وجود دارند که ارائه خدمات ترویجی در برخی استانها یا ایالات توسط دانشگاه کشاورزی ایالتی اجرا می‌گردد. در قاره آسیا هندوستان اولین کشوری بود که توانست این نظام را در ۲۶ دانشگاه ایالتی در سطح کشور پیاده نماید.

در کشورهایی نظیر تایلند و فیلیپین نیز بعضی از دانشگاه‌های کشاورزی، علاوه بر خدمات ترویجی دولتی، نوعی خدمات ترویجی دانشگاهی نیز وجود دارد که توسط دانشگاه‌های کشاورزی به مرحله اجرا درمی‌آید. دانشگاه Kasetart در تایلند و دانشگاه Los Banos در فیلیپین مثال‌هایی از موارد فوق هستند. این امر همچنین در کشور مالزی نیز وجود دارد.

## نظامهای ترویج مبتنی بر سازمان کشاورزان

در برخی از کشورهای جهان طیف وسیع و گسترده‌ای از شکل‌های کشاورزان مسئولیت اجرای خدمات ترویجی را برعهده دارند. این نوع از نظام ارائه خدمات ترویجی در سه شکل یا قالب به شرح زیر در کشورهای مختلف جهان وجود دارد:

الف- در برخی از کشورهای جهان، نظام وسیعی از سازمانهای کشاورزی و کشاورزان، اجراً و ارائه خدمات ترویجی را در کنترل خود دارند. این نوع نظام ترویج کشاورزی تنها در جمهوری چین و کشورهایی نظیر دانمارک، فنلاند، ایسلند و سنگال مشاهده می‌شود.

در جمهوری چین (تایوان) شبکه وسیعی از «انجمن‌های کشاورزی» مسئولیت اصلی و عمده ارائه خدمات ترویجی را برعهده دارند. دولتهای استانی و بخشهای فرعی آن در سطح کشور و شهرها و همچنین ایستگاههای استانی توسعه کشاورزی، در برنامه‌ها و فعالیتهای ترویجی با انجمنهای کشاورزی همکاری می‌نمایند.

در مورد دانمارک، لازم به ذکر است که دو نوع خدمات ترویجی وجود دارد که توسط تعاونیهای کشاورزان در این کشور رواج دارد. یک نوع از این

خدمات کشاورزی و ترویجی مختص «زارعان خرده‌پا» و نوعی دیگر به کشاورزان و زارعان عمده و «بزرگ مقیاس» اختصاص دارد.

ب- در برخی دیگر از کشورهای جهان نظیر بلژیک، ژاپن، نروژ و سوئد، علاوه بر خدمات ترویج دولتی، سازمان کشاورزان (در قالب‌های مختلف نظیر تعاونی‌ها و غیره) نیز در اجرای برخی فعالیتهای ترویجی با دولت مشارکت دارند.

ج- نوع دیگری از نظام ترویج کشاورزی مبتنی بر سازمانها و تشکلهای کشاورزی که در برخی از کشورهای اروپایی و آفریقایی شکل گرفته ارائه خدمات ترویجی توسط انجمن‌های کشاورزی یا کشاورزان است.

برای مثال در کشور فرانسه و برخی دیگر از کشورهای فرانسوی‌زبان در آفریقا، انجمن‌هایی برای تلاش در جهت توسعه کشاورزی ایجاد گردیده است که یک نوع خاص از نظام ترویج کشاورزی را مبنای تلاش‌های توسعه‌ای در بخش کشاورزی خود قرار داده‌اند. در کشور فرانسه «انجمن ملی توسعه کشاورزی» یا (pourelle Development Agricole) یا (Association National ANDA) مثالی از حالت اخیرالذکر است. در این نظام خاص، نمایندگان سازمان کشاورزان و مسئولان دواير و دفاتر دولتی وابسته، شورایی به منظور تدوین سیاستهای کلی و برنامه‌های ترویجی دایر نموده‌اند. شاخه‌های فرعی این شورا در سطح کشور خدمات مختلف و متنوع ترویجی ارائه می‌دهند و از این طریق هماهنگی و همکاری سازمانهای مختلف کشاورزان و دفاتر دواير دولتی به بهترین نحو ممکن حاصل آمده است.

## سازمانها و گروه‌های غیر رسمی کشاورزان

از نقطه نظر تاریخی تعدادی از تشکلهای سازمانهای خصوصی غیررسمی در فعالیتهای ترویج کشاورزی درگیر بوده‌اند. مثال بارزی که در این خصوص می‌توان بدان اشاره نمود، فعالیتهای سازمانها و تشکلهای مذهبی در برنامه‌های ترویج کشاورزی در نقاط مختلف جهان است. این سازمانهای مذهبی که عمدتاً در قالب جنبش‌های بشردوستانه و مبارزه با فقر و محرومیت در مناطق روستایی فعالیت می‌کنند، در طی تلاشهای خود با بکارگیری روشهای مختلف آموزشی، برنامه‌های بهبود، نوسازی و افزایش تولید در بخش کشاورزی را در مناطق روستایی به مرحله اجرا درمی‌آوردند.

در کشور ایران نیز می‌توان به فعالیتهای اینگونه تشکلهای مذهبی توسط مبعوثان مسیحی در منطقه ارومیه اشاره نمود که روشهای اصلاح و بهبود تولید انگور را در آن منطقه اشاعه می‌دادند.

در دیگر کشورهای جهان و در بین این قبیل حرکتها می‌توان به «نهضت بازسازی روستایی» در آسیای شرقی اشاره نمود که بالاخص در کشورهای نظیر جمهوری خلق چین در دوران قبل از جنگ جهانی دوم و در تایوان در دوران پس از جنگ و جمهوری کره در دوره بعد از جنگ جهانی دوم مواردی قابل مشاهده می‌باشند.

نوع دیگری از تشکلهای غیررسمی که به

فعالیتهای ترویجی مبادرت دارند، گروه‌های غیررسمی کشاورزان در مناطق و مجامع روستایی است. این گروه‌های غیررسمی از طریق روشهای آموزشی با هدف ارتقای سطح علمی و مهارتی کشاورزان سعی دارند تا در راستای بهبود شرایط «اجتماعی، اقتصادی» مردم روستایی تلاش کنند و جهت نیل به این هدف، فعالیتها و برنامه‌های مختلف کاری را به مرحله اجرا درمی‌آورند و برخی اوقات نیز مطالعات، بررسی‌ها و پژوهش‌های مختلفی را بر روی محصولات مختلف زراعی و روشهای جدید پردازش فرآورده‌های کشاورزی انجام می‌دهند. علیرغم تنوع و دگرگونی موضوعات مورد بررسی و موارد کاری مختلف، هدف اصلی این فعالیتهای افزایش درآمد کشاورزان و بهبود زندگی روستایی است.

یکی از ویژگی‌های بارز این گروه‌های غیررسمی آن است که فعالیتها و برنامه‌هایی کاری آنها مستقلاً توسط خود این اجتماعات پایه‌ریزی و آغاز شده است. این گروه‌ها توقع چندانی از دولت‌های مرکزی یا محلی خود ندارند، ولی در زمان مورد نیاز از وجود مروجان کشاورزی یا متخصصان موضوعی بهره‌گیری و استفاده می‌کنند. نمونه بارز این نوع فعالیتهای غیررسمی می‌تواند در کشور ژاپن مشاهده نمود که بالاخص در مناطق روستایی، این گروه‌های مشکل و خودکفای ترویجی و مطالعاتی محبوبیت بسیاری دارند.

همه ساله در بسیاری از نقاط ژاپن، انجام فعالیتهای گروهی مشابهی با هدف پیشبرد «زراعت ارگانیک» مرسوم گردیده است، که البته این فعالیتهای نیل به یک سازماندهی و برقراری یک نظام سراسری در سطح کشور فاصله زیادی دارد.

جنبش دیگر که در موقعیت امروز ژاپن محبوبیت زیادی دارد، جنبش موسوم به «دهکده یک محصول» می‌باشد که اداره فرمانداری مناطق طرفدار این جنبش بوده و اطلاعات فنی و آموزش‌های لازم را به آن گروه از رهبران روستایی که به این جنبش پیوسته‌اند، ارائه می‌دهد.

اصول اصلی حاکم بر اجرای این حرکت قابل تحسین به قرار زیر بوده است:

- ۱- بررسی منابع موجود در جامعه روستایی و مطالعه پیرامون قابلیت دسترسی به آنها
- ۲- ایجاد محصولات جدید با استفاده از هر منبع قابل دسترس در جامعه روستایی
- ۳- مصرف و بهره‌برداری روستاییان از محصولات کشاورزی برای ارتقاء سطح زندگی خود
- ۴- فروش محصولات در صورت وجود مازاد
- ۵- عدم اتکا به صندوق‌های مالی و اعتباری یا مساعدت‌های دولتی

## نقطه نظرهایی پیرامون تیپ‌شناسی نظام‌های ترویج

هر یک از نظامهای ترویج که به طور اجمال پیرامون آنها مطالبی ذکر شد، حاوی مزایا، امتیازات و همچنین نقاط ضعف و محدودیتهایی چند می‌باشد که در شرحی که به دنبال می‌آید، به طور فشرده در این خصوص بحث خواهد شد.

متأسفانه، در بسیاری از کشورها، هزینه‌های اولیه و نیز هزینه‌های جاری بالا، همراه با اجرای طرحهای فشرده ترویجی سراسری، بسیار فراتر از محدوده منابع مالی و انسانی دولت‌ها بوده است. نتیجتاً وقتی که کمک‌های مالی اختصاص داده شده و پروژه‌ها پایان می‌یابد، اثربخشی نظام نمی‌تواند چندان پایدار باشد. بنابراین سازمانها و خدمات ترویجی قادر به پیگیری جدی اهداف مورد نظر برای ایجاد نظام نخواهند بود.



۱- نظام ترویج دولتی: این نظام حاوی اشکال مختلفی به شرح ذیل می باشد:

الف- دولت مرکزی به عنوان نهاد مسئول در نظام نظام ترویجی که مدیریت تام و تمام آن برعهده دولت مرکزی است، در مراحل ابتدایی اجرای برنامه های توسعه در کشورهای مختلف جهان، بیشترین تأثیر و کارایی را از خود بروز داده است و گامهای مؤثری در جهت بهسازی و نوسازی بخش کشاورزی و روستایی برداشته است.

در چنین مراحل تاریخی که دولت مرکزی از نظر دسترسی به سرمایه، نیروی انسانی کارآمد و آموزش دیده، قوی ترین سطوح سازمانی و تشکیلاتی و سایر منابع اصلی و اساسی که وجود آنها در جهت تلاشهای توسعه بسیار ضروری و حیاتی است، کارآمدترین و صالح ترین نهادی بوده که اجرای برنامه های توسعه و ترویج کشاورزی را می باید در کنترل و اداره خود داشته باشد. لذا توانست با بهره گیری از منابع قابل دسترس، قدم های موثر و تلاش های مشهوری را در راستای توسعه کشاورزی بردارد. ولی باید توجه داشت که با گذشت زمان و بروز تحولات و دگرگونیهای مختلف در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... که نایل آمدن به برخی اهداف توسعه در کشورهای مختلف جهان را به ارمان آورد، به تدریج از میزان امتیازات و منابع مختلف دولتی کاسته شده و می شود. ولی در حال حاضر نیز در کشورهایی که دولت مرکزی می تواند کنترل هر امری را در اختیار خود نگاه دارد، فعالیتهای ترویجی از هر نوع را می توان به سهولت و به سرعت به جوامع محلی و سطح عامه کشاورزان و روستاییان منتقل نمود.

از سوی دیگر، اگر برنامه های ترویجی و نظام ترویج یک کشور تحت مدیریت دولت مرکزی باشد، ارتباط و مذاکره با دول خارجی در عرصه کمک های علمی، برنامه های همکاری بین المللی و سایر ارتباطات موثر و مفید خارجی در این زمینه با سهولت و سرعت بیشتری انجام خواهد شد.

صرف نظر از مزایا و امتیازات دیگری که می توان در این خصوص برشمرد، نظام ترویج دولتی در بر دارنده نکات ضعف و محدودیتهایی چند نیز می باشد که به طور اجمال به شرح ذیل ذکر می گردد:

● در اکثر کشورهای در حال توسعه، نظامهای ترویج کشاورزی، شکل تکامل یافته ادارات دولتی روستایی هستند که در برخی از موارد،

مقداری از سنت های مستعمراتی گذشته را از این ادارات به ارث برده اند و لذا نظام ترویج در این کشورها درصدد پذیرش رهیافت ها و استراتژی های «بالا به پایین» (Top down policies) بوده و به تفاوت های اجتماعی، اقتصادی و اختلافات شرایط طبیعی موجود در جوامع روستایی و کشاورزی دامن می زند و بدانها توجهی ندارد. این بدان معناست که در چنین سیستمی، فعالیتهای ترویجی در جهت استاندارد شدن، انعطاف ناپذیر بودن و بی ارتباط شدن با نیازهای عملی جوامع کشاورزی و مسائل کشاورزان پیش می رود.

● اگر سیستم کنترل مرکزی برای سالیان طولانی ادامه یابد، اتکای جوامع روستایی و کشاورزی را به دولت مرکزی در پی خواهد داشت و همچنین کشاورزان را نسبت به تولید محصولات و فرآورده های جدید بی علاقه کرده و حسن خلاقیت و ابتکار را در آنها خدشه دار می سازد.

● میراث مستعمراتی در چنین کشورهایی منجر به ایجاد سنت های قدیمی بوروکراسی عمودی می شود و در عرصه ارائه خدمات ترویجی توسط نهادها یا مؤسسات مختلف تعدد و تنوع قابل ملاحظه ای به وجود خواهد آمد.

## ب- دولت های محلی یا استانی

مزیت قطعی و غیر قابل انکار در نظام ترویج مبتنی بر دولت های محلی این است که این نظام ها به دلیل پاسخگویی به نیازها و مشکلات واقعی کشاورزان و جوامع محلی، مناسب تر و مؤثر تر از نظام تمرکز یافته دولتی می توانند عمل کنند و شاید بتوانیم این نکته را در این خصوص اظهار نماییم که این نظام دموکراتیک تر می باشد.

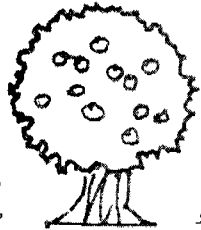
با این حال اگر استراتژی ها و یا رویکردهای مورد توجه دولت های محلی یا استانی، متفاوت از سیاستها یا علایق دولت مرکزی باشد، مسائل و مشکلات عده ای بروز خواهد کرد. مسئله دیگری که می تواند در این رابطه زمینه ساز ایجاد مشکل شود، رابطه نظام با سایر نهادها نظیر نظامهای حمایتی، تهیه اعتبار، بازاریابی، فروش، نظامهای تحقیقاتی، مراکز علمی و... است و این امر می تواند به تضعیف نظام ترویج منجر شود. لذا باید توجه داشت که اگر در تمام این نظامها تمرکززدایی صورت گیرد، حل مشکلات مبتلا به با سهولت و سرعت بیشتری انجام خواهد شد.

در خصوص نظامهای ترویجی مبتنی بر دولتهای محلی، شکل و حالت دیگری نیز قابل ذکر است و آن حالتی است که استراتژیها، برنامه ها و رویکردهای دولت مرکزی و دولتهای محلی با نیازها و مسائل و مشکلات کشاورزان و اعضای جوامع روستایی کاملاً هماهنگ می باشد و برنامه های متوازی در این راستا به مرحله اجرا در می آید. در واقع می توان گفت که این نظام نوعی نظام تلفیق شده به حساب می آید که اهداف هر نوع نظام ترویجی را بگونه ای مؤثر دنبال می کند.

## ج- نظام پروژه های یا دفتر مخصوص دولتی

نظام دولتی مخصوص جدا از نظام معمول مدیریت شکل گرفته است تا از طریق تمرکز فعالیتهای کارکنان ترویج، انسجام و کارایی بیشتری یابد. این خصوصیت راه حل دیگری برای تقویت نظام ترویج است. نظام پروژه های نیز کاملاً مشابه با نظام قبلی بوده و می توان حصول نتایج مشابهی را نیز از آن انتظار داشت.

این دو نظام ترویج از این نقطه نظر کاملاً مناسب می باشند که هر دوی آنها این امکان را به مددجویان



می دهند تا از امتیازات نظام متمرکز و نظام غیر متمرکز بهره گیرند. همچنین هر دوی این نظامها از نقاط ضعف کمتری برخوردار می باشند.

## ۲- نظام ترویج مبتنی بر دانشگاه کشاورزی

این سیستم کارآمدترین نظام جهت نیل به نظام ایده آل توسعه کشاورزی محسوب می شود و سه وظیفه عمده را به دوش می کشد که عبارتند از: تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.

هر چند که این نظام نتایج بسیار چشمگیری را به طور مثال در کشور ایالات متحده آمریکا به بار آورده و در برخی دیگر از کشورها نیز الگویی کارآمد محسوب می شود، ولی باید توجه داشت که پیاده کردن الگو و قالب اولیه و بنیادین آن در سایر کشورهای جهان بسیار دشوار است. زیرا زیرساخت های اولیه و اصلی که این نظام می باید بر محور آنها پی ریزی شود، در خیلی از کشورها بگونه ای مناسب موجود نیست.

در مان کشورهای مختلف جهان، هندوستان تا حد زیادی در پذیرش و اجرای این نظام موفق عمل کرده ولی در برخی دیگر از کشورها صرفاً برخی از اصول این نظام مورد اقتباس قرار گرفته و نظام ترویج دولتی به شکل قبلی خود حفظ شده است.

در هر صورت معرفی و آغاز بکار نظام ترویجی مبتنی بر دانشگاه های کشاورزی، قطعاً یکی از ضروری ترین روش ها و الگوها برای شتاب بخشیدن به توسعه کشاورزی به شمار می آید.

این سیستم همچنین کلیه سیستم های دانشگاهی و عملکردهای آنها را به فعالیت پی گیر وامی دارد.

۳- نظام ترویج مبتنی بر صنایع کشاورزی در این نظام که صنایع وابسته به کشاورزی در ارائه خدمات ترویجی شرکت می جویند، غالباً خدمات خود را در عرصه یک نوع محصول خاص زراعی یا یک نوع دام یا فرآورده دامی و یا یک نوع نهاده (نظیر بذر، خوراک دام، کود، مواد شیمیایی، آفت کش و...) و همچنین نوعی خاص از ماشین آلات کشاورزی متمرکز می کنند. قسمت اعظم فعالیتهای آموزشی، ترویجی که توسط اینگونه صنایع وابسته به کشاورزی ارائه می شود، از پایه و اساس درست و منطقی برخوردار بوده و به خوبی نیز اداره می گردند. ولی نکته ضروری که تحت لوای این نوع خدمات ترویجی قابل ذکر و توجه می باشد، این است که در راستای اجرای این روند، گرایش فوق العاده ای به سرمایه داری ایجاد می شود و همچنین اشغال زمینهای وسیع کشاورزی توسط این صنایع، روند معمول و منطقی توسعه در مورد کشاورزان خرده پا، زارعان بدون زمین، کارگران کشاورزی و دیگر اقشار آسیب پذیر در مناطق روستایی را تا حدی خدشه دار می سازد. در این رابطه لازم است به فعالیتهای بخش خصوصی توجه خاص معطوف نمود تا از این طریق آنها را از بلندپروازی یا انحصار طلبی بیش از اندازه در بهره گیری از منابع محدود کشور بازداشت.

۴- نظام ترویج مبتنی بر سازمانهای خصوصی یا گروه های غیررسمی ارائه خدمات ترویجی توسط سازمانهای خصوصی یا گروه های غیررسمی که عمدتاً در راستای مبارزه با فقر و «محرومیت زدایی»

Tokyo, 1994.

5- Hajimohamad, Khairi, "Effectiveness of the Institutional farmers Organisation for Extension the Malasian Experience", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

6- Mamat, Ibrahim, "Extension Services of the Department of Agriculture in Peninsular Malaysia", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

7- Nasir Ismail, Mohs. et. "Extension Strategies in Peninsular Malaysia: Issues and Problems", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

8- Ranting, Salby, et al. "Training and Extension Workers in Malaysia", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

9- Tugiman, Shamsudin, "Research-Extension Linkage in the Rubber/Industry", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

10- Yassin, Sulaiman m, et al. "Role of the University in Extension and Rural Development", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

11- Yusof Hashim, Mohd. et al. "Research and Extension Linkages in Malaysia", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

پی نوشت ها:

1- Integrated Rural development Approach

2- Bureau.

3- Guidance Bureau.

4- General Extension Approach.

Agricultural / Rural Development.

5- Integrated

6- Commodity Specialized Approach.

7- Agricultural Extension Department.

8- Line Functions.

9- Directorate General.

10- Field Staff.

11- Administrator.

12- Subject - Matter Specialists.

13- Group Farming Approach

14- Feed back

15- Client Participation.

16- Non-Technical Factors.

17- Agricultural Gross Domestic Product.

18- Production - Oriented.

19- Community Resource Development

20- Government Type.

21- Cook Islands.

cooperation and Development

22- Organization for Economic

23- Multiplicity.

هر نوع از آنها دارای نقاط ضعف و امتیاز بخصوصی می باشد. برای مثال، نظام دولتی در مراحل ابتدای توسعه، بیشترین کارایی را دارد، ولی ماهیت بالا-به-پایین (Top-down) آن منجر به اتکا به دولت و طرد شدن خلاقیت و خودکفایی نظام می گردد. می توان گفت که در درازمدت و با پیشرفت توسعه، نظام ترویج از شکل مرکزی به شکل استانی (محلی) و یا از شکل رسمی به شکل خصوصی تری تغییر خواهد نمود.

در رابطه با پیشرفت نظامهای ترویج کشاورزی، می توان مشاهدات و پیشنهادات زیر را ارائه کرد:

الف) در چند دهه اخیر در کشورهای منطقه، تجاری در زمینه تغییر شکل نظام ترویج به دست آمده است و در این راستا، انواع دیگری از نظامهای ترویج در این کشورها به مورد اجرا درآمده اند. خوشبختانه اکثر این حرکتها به دلیل تلاش، تجربه و آمادگی های قبلی تجدیدنظرکنندگان با موفقیت روبرو شده است.

ب) علیرغم پیشرفت مداوم و تجدیدنظرهای وابسته به امر کشاورزی با خارج از آن و تغییراتی که در جامعه روستایی ایجاد شده است، اکثر کشورهای منطقه برای اصلاح یا اعمال نوآوری در نظام ترویج مربوطه، از جانب مردم قویا تحت فشار قرار گرفته اند.

ج) به منظور اصلاح یا ایجاد نوآوری در نظام ترویج، انجام مراحل ذیل ضروری است:

۱) بررسی هر یک از ۶ مؤلفه اصلی نظامهای ترویج و شناسایی نقاط ضعف آنها و سپس تقویت این نقاط ضعف با اعمال اقدامات مشخص در جهت مقابله با آنها و یا از طریق جایگزین کردن نقاط ضعف با ویژگیهای مناسب تر که الهام گرفته از انواع دیگر نظامها باشد.

۲) بررسی روابط افقی (horizontal relationships) بین هر یک از مؤلفه ها در نظام و تلاش در جهت تقویت رابطه بین یک مؤلفه با مؤلفه دیگر.

۳) بررسی روابط عمودی (vertical relationships) بین هر مؤلفه و عناصر وابسته خاص و تلاش در تقویت رابطه بین آنها.

فهرست منابع:

1- Abdullah, Azam: "Agricuitral Extension System of Malaysia" (1) Report of an Apo Study Meeting Tokyo, 1994.

2- Ahmad, Mazlan, et al: "Training of Rural Development Managers: Malaysian Experience and Strategies", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

3- Aljunid, s. Hamid, "The Impact and Issues of curent Rural Development Strategies in Malaysia", "Seminar proceeding", UPM, 1984.

4- Chee, Kimkin, "Agricultural Extension System of Malaysia", (2) Report of an Apo Study Meeting

در مناطق روستایی انجام می شود، در طی دهه های اخیر توجه عموم را به خود جلب نموده است. ولی اینگونه تشکلها جهت اجرای برنامه های خود با مشکلات عدیده ای مواجه هستند که عمده این مشکلات کمبودهای مالی است. این سازمانها در حال حاضر به پشتیبانی و حمایت مالی نیازی ضروری دارند. مشکل دیگر، هماهنگی با برنامه های نهادها و سازمانهای دولتی است که در اکثر موارد محدودیتها و موانعی را برای این سازمانها فراهم می آورد.

اینگونه سازمانهای غیررسمی جهت اجرای مؤثر فعالتهای ترویجی، نیاز به حمایت و هماهنگی سازمانهای دولتی دارند تا دلگرمی بیشتری نسبت به فعالتهای خود به دست آورده و بتوانند فعالتهای خلاق و مبتکرانه خود را به منصه بروز و ظهور برسانند. آنها می توانند در آینده ای نزدیک در حکم سرویس های حمایتی، اطلاعاتی، مشاوره ای و تکمیلی در عرصه ارائه خدمات ترویجی در کنار سازمانهای دولتی، نقش بسیار مؤثری را ایفا نمایند.

## خلاصه و نتیجه گیری

قبل از پرداختن به موضوع مورد بحث، ذکر سه نکته در رابطه با نظامهای ترویج کشاورزی ضروری است.

اول آنکه از نظر تاریخی، قدیمی ترین فعالیت های ثبت شده ترویجی در منطقه (In the Region) به ابتدای قرن شانزدهم باز می گردد ولی قسمت اعظم نظامهای ترویجی در کشورهای منطقه (the Region Countries) پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفته اند. دوم این که تعریف ترویج کشاورزی آن گونه که Maunder بیان کرده است، هر چند هنوز در برخی از نقاط جهان معتبر قلمداد می شود، اما در بعضی نقاط توسعه یافته در جهان نمی تواند به کار رود.

سوم آن که مؤلفه های اصلی نظامهای ترویج به گونه ای ترتیب یافته اند که شامل عناصر زیر باشند:

الف) یک نظام تحقیقاتی؛

ب) ابتکارات و نوآوری ها؛

ج) یک آژانس ترویجی؛

د) پرسنل ترویج و رسانه های غیر شخصی؛

ه) رهبران (رابط) کشاورزان؛

و) جامعه روستایی.

اگر نظامهای ترویجی دنیای امروز را براساس مجموعه نهادهای مسئول در اجرای نظام دسته بندی کنیم، پنج نوع نظام عمده به این ترتیب مشخص خواهد شد:

الف) نظام دولتی که دارای ۵ نوع فرعی است: یعنی انواع دولت مرکزی، دولت استانی، همکاری بین ۲ الی ۴ سطح از مدیریت دولتی و نظام دولتی مخصوص با نظام پروژه ای؛

ب) نظام دانشگاه کشاورزی؛

ج) نظام سازمان کشاورزی؛

د) نظام وابسته به صنعت؛

ه) نظام سازمانهای خصوصی یا گروههای غیررسمی

ویژگیهای عمده هر یک از انواع نظامهای کشاورزی مورد بررسی قرار گرفت و روشن شد که